قاچاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران

صادق سلیمی*

طرح مساله: *قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این تحقیق این قانون با توجه به موازین بین‌المللی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.*

روش: *این پژوهش به روش توصیفی و تحلیل حقوقی صورت گرفته و در تنظیم پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.*

یافته‌ها: *قاچاق زنان و کودکان، قاچاق مهاجران و قاچاق اعضا و جوارح انسان، اشکال شناخته شدهٔ تجارت غیرقانونی و سودآوری هستند که در قرن بیست و یکم توسط گروه‌های جنایی فراملی به صورت سازمان یافته وقوع می‌یابند. ارتکاب این عمل مجرمانه آثار انسانی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی مخربی بر جای می گذارد و به این جهت در سطوح بین المللی و ملی مورد توجه قرار گرفته است.*

نتایج: *این قانون که گام مهمی در جهت مبارزه با پدیدهٔ قاچاق انسان در ایران محسوب می‌گردد، نارسایی‌های زیادی دارد. از جملهٔ این نارسایی‌ها عبارت‌اند از آن‌که گروه یا دسته مرتکب جرم در قانون تعریف نشده است؛ در مواردی به خصوصیات «سازمان‌یافته» و« فراملی» بودن این جرم توجه نشده و حمایت از بزه دیدگان مد نظر قرار نگرفته است.*

کلید واژه‌ها: زنان و کودکان، سازمان‌یافته، قاچاق اشخاص، قاچاق انسان، مهاجران،

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۰/۱

* دکتر حقوق، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز <sadeghsalimi@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

قاچاق انسان پدیدهٔ خطرناکی است که در قرن بیست و یکم تمامی جامعهٔ جهانی، از جمله ایران را تهدید می‌کند. خرید و فروش انسان و سوء استفاده از افراد بشری از دیر باز وجود داشته؛ لیکن ویژگی‌های اصلی این عمل مجرمانه که آن را خطرناک‌تر می‌کند، «سازمان‌یافته» و «فراملی» شدن آن است. قاچاق انسان به سه منظور اصلی صورت می‌گیرد که می‌توان آن را به این شرح تقسیم‌بندی کرد: **الف) قاچاق زنان و کودکان:** عمدتاً به منظور سوء استفاده‌های جنسی؛ **ب) قاچاق مهاجران:** که عمدتاً به‌وسیلهٔ اسناد هویت و گذر جعلی و به‌صورت غیر مجاز افراد از مرزهای کشوری به کشور دیگر عبور داده می‌شوند؛ **ج) قاچاق اعضا و جوارح انسان**.

در سطح بین‌المللی در زمینهٔ پیشگیری و سرکوب قاچاق انسان، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. لیکن مهمترین اقدام در دسامبر سال ۲۰۰۰ با امضای کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافتهٔ فراملی (پالرمو) و پروتکل‌های الحاقی به آن صورت گرفت. کنوانسیون تدابیر مفصلی را در پاسخ به جنایات سازمان یافته فراملی پیش‌بینی نموده است. پروتکل اول الحاقی به این کنوانسیون به مبارزه با قاچاق اشخاص اختصاص یافته و تمهیدات مفصلی را در زمینه پاسخ به قاچاق زنان و کودکان اندیشیده و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون نیز به مبارزه با قاچاق مهاجران اختصاص دارد. تا زمان آخرین بازبینی این مقاله (دی ۱۳۸۶) ۱۳۸ کشور کنوانسیون، ۱۱۶ کشور پروتکل اول و ۱۰۸ کشور پروتکل دوم را به تصویب رسانده‌اند و اسناد مزبور از تاریخ‌های زیر لازم‌الاجرا شده‌اند: کنوانسیون: ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ مطابق ماده ۳۸؛ پروتکل اول: ۲۵ دسامبر ۲۰۰۳ مطابق مادهٔ ۱۷ و پروتکل دوم: ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ مطابق ماده ۲۲ (UNODC, 2008). لازم به ذکر است که تصویب هریک از پروتکل‌ها منوط به تصویب قبلی یا هم‌زمان کنوانسیون است.

جمهوری اسلامی ایران هیچ‌یک از اسناد فوق‌الذکر را به تصویب نرسانده است، لیکن متأثر از رشد این پدیدهٔ مجرمانه در داخل کشور و با عنایت به تحولات بین‌المللی «قانون

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مبارزه با قاچاق انسان» (ق.م.ق.ا.) مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره با قید دو فوریت در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و در اثر سکوت شورای نگهبان، مطابق اصل نود و چهارم قانون اساسی، خود به خود لازم‌الاجرا شده و در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۸ در روزنامهٔ رسمی چاپ و منتشر شده است.

۱) طرح مسئله

قاچاق انسان معضلی است که هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند کاملاً از آثار شوم آن مصون است. لذا در این زمینه لازم است ابتدا وضعیت این پدیده را در ایران مورد مطالعه قرار دهیم آنگاه به جرم‌انگاری آن و مقایسهٔ تعریف مندرج در ایران با اسناد بین‌المللی بپردازیم.

۱-۱) وضعیت قاچاق زنان و کودکان در ایران

تاکنون تحقیق میدانی جامعی در خصوص شیوه‌ها و میزان قاچاق زنان و کودکان در ایران صورت نگرفته است. گاهی در جراید، اخبار پراکنده‌ای در خصوص دستگیری برخی اعضای باندهای قاچاق دختران درج شده است لکن برخی از مسؤولین حتی اصل وجود چنین پدیده‌ای را انکار نموده و معتقدند قاچاق انسان از ایران به خارج از کشور صحت ندارد (هلالی، ۱۳۸۴). سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال‌های اخیر پژوهشی در زمینهٔ وضعیت و اشکال قاچاق انسان در ایران انجام داده است که بخش‌هایی از آن به مضمون نقل می‌گردد. براساس این پژوهش قاچاق زنان و دختران در ایران عمدتاً به دو شکل صورت می‌گیرد:

الف) قاچاق زنان و دختران به پاکستان: در این روش دختران فقیر را از خانواده‌هایشان خواستگاری نموده، به عقد خود در می‌آوردند و سپس آن‌ها را به خانه‌های فساد در پاکستان که به خرابات موسومند می‌فروختند. متاسفانه اخیراً پدیده فروختن دختران توسط خانواده‌هایشان یا شوهرانشان در شهرهای مختلف مرزی ابعاد نگران‌کننده‌ای پیدا کرده است. غالباً افراد قربانی هیچ‌گونه آگاهی از قاچاق شدن خود

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نداشته اند. قربانیان از طریق ازدواج موقت، وصلت کرده بودند و عدم ثبت رسمی عقد آن‌ها در این شکل یکی از معضلات اساسی بود. به گفتهٔ قربانیان، عدم حفاظت و نگهبانی کامل از مرزهای شرقی کشور دلیل عمده‌ای برای سهولت کار قاچاقچیان است. اغلب قربانیان هیچ پولی بابت کار جنسی خود دریافت نمی‌کردند و معمولاً خانوادهٔ شوهران آن‌ها تمام پول را دریافت می‌کردند.

ب) قاچاق زنان و دختران به امارات متحده عربی: معمولاً دخترانی که به امارات متحده عربی (دبی) قاچاق می‌شوند، بین ۱۰ تا۱۶ سال سن دارند و انتقال آن‌ها به دوشکل است: عده‌ای از آن‌ها به‌طور رسمی به نام شیوخ بزرگ عرب خواستگاری می‌شوند و در ازای پرداخت مبالغی به خانواده‌شان از مرز عبور داده می‌شوند؛ عدهٔ دیگر دخترانی هستند که برای این منظور ربوده می‌شوند و بدون اجازه پدر و مادر از کشور خارج می‌شوند. تعداد زیادی از این دختران وارد بازار کار شده و به روسپی‌گری در کلوپ‌ها و کاباره‌ها مشغول می‌شوند. برخلاف قاچاق به پاکستان، قاچاق دختران به دبی غالباً با رضایت و آگاهی قربانیان انجام می‌شود و اکثر آنان، تمایلی به بازگشت به ایران ندارند. به علاوه قربانیان قاچاق به پاکستان، از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح پایینی می‌باشند در صورتی‌که قربانیان قاچاق به دبی از موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بالاتری برخوردارند (سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۲: ۵۵-۶۰).

از حیث کمیت و تعداد افراد قاچاق شده نیز مراتب قابل تأمل است. مطابق برخی آمارها، روزانه به‌طور متوسط ۴۵ دختر در ایران در اثر فقر، سوء رفتار و... از خانه‌های خود فرار می‌کنند (De Bellaigue, 2000) که اغلب آنان در دام قاچاقچیان انسان گرفتار شده و از مراکز فحشا در خارج از کشور سر در می‌آورند. گسترش سریع قاچاق انسان ضرورت تصویب قانونی مناسب برای مقابله با این پدیده را ایجاب می‌نمود.

۲-۱) دایرهٔ شمول قاچاق انسان در قانون ایران

در قوانین جزایی اغلب کشورها از دیرباز «آدم‌ربایی» جرم شناخته می‌شود و در قانون

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مجازات اسلامی نیز در مادهٔ ۶۲۱ آدم‌ربایی جرم شناخته شده و برای مرتکب آن پنج تا پانزده سال حبس پیش‌بینی شده است. در اغلب موارد، دایرهٔ شمول دو عنوان جزایی آدم ربایی و قاچاق انسان به‌رغم تشابه موجود، از یکدیگر جدا و متمایز است لیکن در مواردی ممکن است عمل ارتکابی واحد، مشمول هر دو عنوان جزایی بشود که طبق قاعدهٔ تعدد معنوی (اعتباری) جرم و با استناد به مادهٔ ۴۶ ق.م.ا.، مجازات اشد (در این مورد آدم‌ربایی) اعمال می‌گردد.

مادهٔ ۱ ق.م.ق.ا. در تعریف این عمل جنایی اشعار می‌دارد «قاچاق انسان عبارت است از: الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج؛ ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود».

در بند الف مادهٔ مزبور، قاچاق زنان و کودکان و قاچاق اعضا و جوارح انسان مد نظر قانون‌گذار بوده است. در تحقق این عمل مجرمانه دو عامل «عبور از مرز» و توسل به «اجبار یا اکراه یا خدعه یا سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت قربانی» اهمیت اساسی دارند. این دو عامل وضعیت آسیب‌پذیری و ضرورت جرم انگاری عمل و حمایت از بزه‌دیدگان را توجیه می‌کند. زنان و کودکان معمولاً با اسناد گذر و هویت جعلی از مرزها عبور داده می‌شوند یا پس از عبور اسناد هویت و گذر آنان توسط قاچاقچیان گرفته شده و هرگز مسترد نمی‌شود. بر خلاف آن‌چه برخی اظهار کرده‌اند که «قاچاق داخلی نیز به اندازه قاچاق جنسی بین‌المللی [فراملی] ـ و حتی به دلیل آگاه شدن سریع‌تر و کامل‌تر مردم نسبت به آثار آن، بیش از آن ـ خطرناک است» (السان، ۱۳۸۴: ۳۴۳)، اگرچه قاچاق از کشوری به کشور دیگر با وصف غریب و تنها بودن شخص، نداشتن اوراق هویت و لذا غیرقانونی بودن حضور وی در کشور مقصد و عدم آشنایی به زبان و فرهنگ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کشور مقصد این افراد را در حالت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهد، در داخل کشور چنین سوء استفاده‌هایی متصور نیست و شخص به‌راحتی می‌تواند در هر شهری نزد مراجع ذی‌صلاح تظلم کند.

موضوع این جرم همواره فرد بشری است و انگیزهٔ «فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج» رکن تشکیل‌دهندهٔ آن می‌باشد. واژه‌های «خدعه» و «نیرنگ» با هم مترادف هستند. از این رو، به کار بردن این واژگان به دنبال هم خالی از فایده بوده و غیرضروری است. تهدید نیز در بطن «اکراه» نهفته است و تکرار آن ضرورتی ندارد.

قید کلمهٔ «ازدواج» در آخر این بند قدری شبهه ایجاد می‌کند. ظاهراً قانون‌گذار فریب در ازدواج را که در حالت عادی مشمول مادهٔ ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا.) بوده و مرتکب آن به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود، در صورت عبور از مرز، مشمول تعریف قاچاق نموده است. البته اگر مادهٔ ۳ ق.م.ق.ا. رعایت شود چنین شخصی صرفاً به تحمل مجازات مقرر در ق.م.ا. محکوم می‌گردد. لازم به توضیح است که مادهٔ ۶۴۷ ق.م.ا. صرفاً در خصوص فریب در ازدواج اجرا می‌شود، ولی در ق.م.ق.ا. اجبار و اکراه و سوء استفاده از موقعیت خود یا قربانی نیز از موارد رایج است که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

بند ب مادهٔ ۱ به اقداماتی که پس از عبور از مرز، به منظور جلوگیری از کشف جرم صورت می گیرند، دلالت دارد. اگرچه قانون ایران به موجب اصل صلاحیت سرزمینی، در خصوص جرایم ارتکابی در خارج از کشور، قانون حاکم نیست، لیکن به موجب اصل صلاحیت شخصی یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت (مندرج در مادهٔ ۷ ق.م.ا.)، قانون ایران در خصوص جرایم ایرانیان در خارج از کشور حاکمیت دارد (سلیمی، ۱۳۸۴:۳۴-۳۹). با این حال، مرتکبین قاچاق انسان از ایران به خارج از کشور الزاماً ایرانی نیستند و لذا اصل صلاحیت شخصی در تمامی موارد کافی نیست. لیکن در این زمینه می‌توان به مادهٔ ۴ قانون مجازات اسلامی استناد جست که اشعار می‌دارد «*هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجهٔ آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا*

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در خارج و نتیجهٔ آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است». با توجه به ویژگی سازمان یافته‌گی و فراملی بودن قاچاق انسان، در واقع قاچاق انسان از شروع عملیات در کشور مبدا تا حصول نتیجه و کسب منافع مادی، فرایند واحدی تلقی می‌شود و چون قسمتی از جرم در ایران واقع شده است، مطابق مادهٔ مزبور، قانون ایران صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.

قانون‌گذار ایران در مادهٔ ۷ ق.م.ق.ا.، با اندکی تغییر به این مطلب تاکید و تصریح نموده است «هر تبعهٔ ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود». در این‌جا مرتکب الزاماً ایرانی است و ظاهراً قاچاق انسان از یک کشور خارجی به کشور خارجی دیگر مد نظر است. بنابراین دایرهٔ شمول این ماده دقیقاً با اصل صلاحیت شخصی (ماده ۷ ق.م.ا.) مطابقت دارد.

دخالت گروه جنایی سازمان‌یافته در قاچاق انسان، موجب تهدید بیشتر برای جامعه و دشواری کشف و مبارزه با این جرم و همچنین ناتوانی قربانیان در مقابل مجرمین می‌گردد. ظاهراً قانون‌گذار ایران نیز اندک توجهی به این امر داشته است و در بندهای الف و ب مادهٔ ۲ اشاراتی به این مطلب دارد. در مادهٔ ۲ ق.م.ق.ا. سه مورد به عنوان اعمالی که «در حکم قاچاق انسان» هستند، احصاء گردیده‌اند. مادهٔ ۲ این‌چنین تحریر یافته است: «اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود: الف) تشکیل یا ادارهٔ دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع مادهٔ (۱) این قانون باشد؛ ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به‌طور سازمان‌یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع مادهٔ (۱) این قانون، هر چند با رضایت آنان باشد؛ ج) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد».

در بند الف فقط «تشکیل یا ادارهٔ» دسته یا گروه جرم تلقی گردیده است. صرف‌نظر از این‌که در قوانین ایران «دسته یا گروه» که هدف آن ارتکاب جرم باشد، تعریف نشده است، این ماده عضویت در گروه جنایی را جرم ندانسته و مسئولیت کیفری را در این زمینه فقط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به موسسان و مدیران گروه‌ها منتسب نموده است. با استنباط از مواد ۲و۳ و۵ کنوانسیون پالرمو، گروه‌های جنایی واجد سه عضو یا بیشتر، وحدت فرماندهی، نظم شدید با ضمانت اجرایی بی‌رحمانه هستند که با هدف ارتکاب جرم برای تحصیل منافع مالی و مادی تشکیل شده و در طول برهه‌ای از زمان فعالیت می‌کنند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۳)

۲) روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا با ارائه مندرجات ق.م.ق.ا. و نیز مطالعه و ارائه مستندات بین‌المللی خصوصاً پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ملل متحد از روش توصیفی و از ابزار کتابخانه و اسناد استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل حقوقی مندرجات ق.م.ق.ا. بررسی و با اصول حقوق جزایی و جرم‌شناسی و هنجارهای بین‌المللی مقایسه و جنبه‌های قوت و ضعف قانون مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳) یافته‌ها

۳-۱) مقایسهٔ تعریف مندرج در قانون ایران با پروتکل‌های الحاقی

مطابق مادهٔ ۱ ق.م.ق.ا.، قاچاق انسان تعریف شده و سپس در مادهٔ ۲ مواردی احصاء گردیده و «در حکم قاچاق انسان» تلقی گردیده است.

در بادی امر به نظر می‌رسد که قاچاق انسان در قانون ایران، شامل قاچاق زنان و کودکان و قاچاق مهاجران می‌شود. لیکن این تعریف تفاوت‌هایی با تعریف قاچاق زنان و کودکان و خصوصاً قاچاق مهاجران دارد.

قاچاق مهاجران، با وجود تشابه زیادی که با «قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان» دارد، متفاوت از آن است و نباید این دو را باهم اشتباه گرفت. مهم‌ترین وجوه تشابه این دو جنایت را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: الف) موضوع هر دو جنایت افراد بشر می‌باشند؛ ب) در هر دو مورد غالباً افراد از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

قاچاق می‌شوند؛ ج) با توجه به این‌که هر دو مورد از مصادیق جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی‌اند، خصایص اساسی این جنایات را دارند، یعنی ماهیتاً فراملی هستند (قاچاق افراد از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر در داخل مرزهای یک کشور از شمول این عناوین مجرمانه خارج است)، به منظور تحصیل منفعت مادی و توسط گروه‌های سازمان‌یافتهٔ جنائی ارتکاب می‌یابند.

وجوه تمایز این دو پدیدهٔ مجرمانه را می‌توان این گونه بیان کرد: الف) در قاچاق زنان و کودکان، افراد مورد قاچاق موضوع جنایات بعدی هستند و قاچاق آنان وسیله‌ای برای درآمدهای آتی محسوب می‌گردد؛ یعنی این اشخاص قاچاق می‌شوند تا بعداً در جاهایی مثل مراکز فحشاء مورد بهره‌برداری قرار گیرند، زیرا به صرف گذراندن نامبردگان از مرز اصولاً چیزی عاید جنایتکاران نمی‌شود؛ در حالی‌که در قاچاق مهاجران، گذراندن غیرقانونی از مرزها خود در مواردی هدف غایی محسوب می‌شود و قاچاقچیان، منفعت مورد نظر خود را از مهاجران دریافت می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت قاچاق مهاجران موضوعیت داشته و خود هدف جرم است، در حالی‌که قاچاق اشخاص طریقیت دارد و وسیلهٔ جلب منفعت در آینده است. البته در مواردی که از مهاجران بیگاری کشیده می‌شود از این حیث با قاچاق زنان و کودکان شباهت می‌یابد. ب) همان‌طور که از عنوان آن پیداست، در قاچاق اشخاص بیشتر زنان و کودکان موضوع جرم هستند، در حالی‌که قاچاق مهاجران عمومیت دارد و حتی می‌توان ادعا کرد که بیشتر پسران و مردان جوانی که در آرزوی یک زندگی برتر، یافتن کار یا تحصیلات دانشگاهی و ... هستند، موضوع قاچاق واقع می‌شوند. ج) قاچاق اشخاص عمدتاً به منظور بهره‌برداری جنسی صورت می‌گیرد و بیشتر با تهدید و خشونت همراه است، در حالی‌که در قاچاق مهاجران چنین وضعیت حادی به ویژه سوء استفاده‌های جنسی وجود ندارد.

برای روشن شدن مطلب ذکر تعاریف مندرج در پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی که به ترتیب به مبارزه با قاچاق اشخاص و مهاجران اختصاص دارند، ضروری می‌نماید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بند الف مادهٔ ۳ پروتکل اول اشعار می‌دارد «قاچاق اشخاص به معنی استخدام کردن، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص است به وسیلهٔ تهدید یا توسل به زور یا اشکال دیگر اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوء استفاده از قدرت یا سوء استفاده از وضعیت آسیب‌پذیری قربانی، یا با دادن یا گرفتن مبالغ یا منافعی برای تحصیل رضایت شخصی که روی دیگری کنترل دارد؛ که این اقدامات به منظور بهره‌برداری صورت می‌گیرند. بهره‌برداری شامل بهره برداری از فحشای دیگران یا اشکال دیگر بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، استثمار یا استخراج اعضا است». در بند ب همین ماده بلافاصله تصریح شده است «رضایت مجنی علیه قاچاق اشخاص در مورد بهره برداری مورد نظر مقرر در بند الف این ماده، وقتی وسایل مندرج در آن بند به کار رفته باشند، ارزشی نخواهد داشت».

هدف اصلی پروتکل، حمایت از بزه‌دیدگان با ترغیب دولت‌ها به همکاری و هماهنگی حقوق داخلی خویش است. از این رو، اگر شخص موضوع قاچاق در شرایط عادی و با رضایت کامل خود حتی به قصد فحشا از کشوری به کشور دیگر توسط گروه‌های جنایی منتقل شود، مشمول تعریف پروتکل نمی‌گردد. بدیهی است اعلام رضایت ناشی از تهدید یا فریب و نظایر آن، رضایت واقعی محسوب نمی‌گردد. قانون‌گذار ایران در کنار مبارزه با قاچاق انسان، مبارزه با فحشا را نیز در نظر داشته است، لذا به هرحال اگر هدف اصلی فحشا باشد، عبور دادن و ...، حتی با رضایت شخص نیز مشمول تعریف قانون‌گذار می‌گردد.

بند ج مادهٔ ۲ از جهت تاکیدی که بر عبور دادن و حمل یا انتقال غیرمجاز افراد دارد، به قاچاق مهاجران تشابه پیدا می‌کند. مادهٔ ۶ پروتکل دوم تحت عنوان «جرم‌انگاری»[1] مقرر نموده است:

«هر دولت متعاهد اقدامات قانون‌گذاری و اقدامات دیگری که برای جرم جنائی[2] تلقی نمودن اعمال زیر، وقتی که به‌طور عمدی و به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک

1. Criminalization
2. Criminal Offence

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منفعت مالی یا نفع مادی دیگری ارتکاب یابد، اتخاذ خواهد نمود:

الف) قاچاق مهاجران؛

ب) اعمال ذیل، وقتی که به منظور تسهیل قاچاق مهاجران صورت بگیرد:

– تهیهٔ یک سند هویت یا مسافرت تقلبی؛

– تحصیل، تدارک یا تصرف یک چنین سندی؛

– قادر کردن شخصی که تابع[1] یا ساکن دائمی کشوری نیست به ماندن در آن کشور، بدون رعایت شرایط ضروری قانونی آن کشور با استفاده از وسایل مذکور در بند (ب) مذکور یا هر وسیله غیرقانونی دیگر ...»

نظر به این‌که قاچاق مهاجران ـ و قاچاق اشخاص ـ غالباً با جعل اسناد صورت می‌گیرد، در بند (ب) مادهٔ فوق الذکر پروتکل، جعل سند، تدارک یا تحصیل چنین سندی نیز از مصادیق قاچاق مهاجران تلقی شده است. قانون ایران در این زمینه ساکت است.

بنا به صراحت مادهٔ ۵ پروتکل، خود مهاجر به صرف این‌که موضوع قاچاق مطابق تعریف مادهٔ ۶ بوده باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. به هنگام تدوین طرح کنوانسیون در کمیتهٔ ششم نیز نمایندهٔ گروه دولت‌های آمریکای لاتین و کارائیب، توجه به این نکته را مهم خواند که پروتکل نباید در صدد مجازات مهاجران باشد؛ زیرا مهاجرت یک پدیدهٔ تاریخی و اجتماعی است و مبارزه با آن می‌تواند منجر به تقویت بیگانه ستیزی، عدم مدارا و نژاد پرستی شود. لذا باید به عوامل مهاجرت و دلایل آسیب پذیری روز افزون مهاجران توجه شود (UNODC, 2000).

کشورهای مهاجرپذیر مهیا نمودن شرایط برای سکونت و ماندن غیرقانونی شخص در

---

۱. کلمهٔ انگلیسی national در زبان فارسی به نادرست «تبعه» ترجمه می‌شود و اساساً تبعه در متون فارسی به معنی مفرد یعنی معادل «تابع» به کار می‌رود، در حالی‌که تبعه جمع مکسر تابع است. رک: دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی معین، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم ۱۳۶۴، جلد اول ص ۱۰۲۴. واژهٔ انگلیسی CITIZEN که به‌ویژه در اسناد حقوق بشری کاربرد بیشتری دارد، معادل کلمهٔ فارسی «شهروند» است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کشور مقصد را نیز مشمول تعریف قاچاق مهاجران نموده‌اند، چون علاوه بر آثار سوء قاچاق مهاجران بر قربانیان و نقض حقوق بشری آنان، بحث مهاجرت و کنترل آن برای کشورهای مقصد اهمیت اساسی دارد، به‌طوری که کنترل مهاجران خارجی به داخل این کشورها از سیاست‌های اساسی پیشگیری از جرم محسوب می‌گردد و حتی برخی آن را همسان با سیاست‌های پیشگیری از جرم تلقی نموده‌اند. این امر در ایجاد ثبات اجتماعی نیز واجد اهمیت اساسی است. ارتباط بین امنیت و مهاجرت، از فرایند جهانی شدن اقتصاد، محدودیت بازار کار، توسعهٔ سریع اقتصادهای سایه، هم‌چنین بیکاری گسترده ناشی می‌شود که نتایج آن‌ها در احساس ناامنی، انشقاق و نفرت نژادی و خشونت مبتنی بر تبعیض نژادی متجلی می‌گردد. با چنین فرایندهایی مقولهٔ مهاجرت و نگرش به مهاجران (و اقلیت‌های بومی) تغییر می‌یابد؛ به‌طوری‌که مهاجران، اشخاص و گروه‌هایی تلقی می‌شوند که خطرات شدیدی در زمینهٔ بی‌ثباتی و خشونت در جامعهٔ میزبان و هم‌چنین بهره‌برداری از امکانات کشورها و جوامع میزبان، خواه از طریق ترویج بازار خدمات و کالاهای نامشروع یا از طریق زندگی کردن در این جوامع با ارتکاب جرائم مالی، به وجود می‌آورند (ALBRECHT, 2002: 12).

به نظر می‌رسد چون ایران کشور مهاجرپذیری نیست، لذا ضرورتی برای پیش‌بینی چنین قاعده‌ای در قانون نبوده است. با این حال در این قانون هیچ‌یک از جنبه‌های تعریف قاچاق مهاجران قید نشده است.

۲-۳) پاسخ به قاچاق انسان

در ق.م.ق.ا. تاکید اصلی بر روی اقدامات سرکوب‌گر (مجازات) است و به حمایت از بزه‌دیدگان توجه لازم نشده است. هم‌چنین مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز به‌طور ضمنی پذیرفته شده است که ابتکار قابل توجهی به نظر می‌رسد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۱-۲-۳) مجازات قاچاق انسان

مادهٔ ۳ ق.م.ق.ا.، میزان مجازات این عمل مجرمانه را در دو فرض جداگانه مطرح می‌کند: الف) عمل مرتکب از مصادیق مندرج در ق.م.ا. باشد؛ ب) عمل مرتکب از مصادیق مندرج در ق.م.ا. نباشد. در این خصوص مادهٔ ۳ ق.م.ق.ا. این‌چنین حکم هر مورد را بیان نموده است: «*چنان‌چه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود*».

فرض تطابق کامل تعریف قاچاق انسان با مواد قانون مجازات اسلامی بعید و بلکه محال است. ظاهراً قانون‌گذار به تعدد معنوی یا مادی جرم نظر داشته است؛ لیکن به فلسفهٔ وجودی و قواعد حاکم بر این نهاد کیفری بی‌توجه بوده است. در شق اول این ماده، قانون‌گذار خود را با قاعدهٔ تعدد معنوی جرم و مجازات اشد آشنا نکرده است و به صورت مطلق ق.م.ا. را حاکم دانسته است. در صورتی که حکم این ماده به دقت جاری شود، اگر مردی ضمن قاچاق دختری، با او مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا شود، وی را حداکثر می‌توان به تحمل ۹۹ ضربه شلاق مطابق مادهٔ ۶۳۷ ق.م.ا. محکوم کرد و مجازات حبس سنگین وی به اتهام قاچاق انسان قابل اجرا نخواهد بود! لیکن مادهٔ ۶ همین قانون در فرض تعدد مادی جرم این حکم را تعدیل و اصلاح می‌کند: «*چنان‌چه «قاچاق انسان» توأم با ارتکاب جرائم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون، به مجازات های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد*». بنابراین، می‌توان مثال مزبور را مشمول حکم این ماده نموده و هر دو مجازات مزبور در ق.م.ا. و ق.م.ق.ا. را با هم جمع و در مورد مرتکب اعمال کرد. بهتر بود قانون‌گذار این دو ماده را در هم ادغام و حکم واحدی بیان می‌داشت تا اولاً موجب تعارض و ثانیاً سبب اطالهٔ کلام و تشتت نمی‌گردید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مجازات مرتکب در سایر موارد «حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعدهٔ پرداخت آن به مرتکب داده شده است» تعیین شده است. باید توجه داشت که هرچند این شق ماده ظاهراً به صورت استثنا بیان شده است، لیکن در بیشتر موارد فرض غالب تلقی می‌شود؛ زیرا اصولاً تعریف هیچ‌یک از عناوین جزایی مصرح در ق.م.ا. منطبق بر تعریف قاچاق انسان نیست و لذا مجازات اخیر اعمال می‌گردد. هم‌چنین مطابق مادهٔ ۸ «تمامی اشیاء اسباب و وسائط نقلیه‌ای که عالماً و عامداً به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده‌اند به نفع دولت ضبط خواهد شد».

۲-۲-۳) عوامل تشدید مجازات

کودکان و نوجوانان به خاطر ضعف جسمانی و عقلانی خویش، به اندازهٔ کافی قادر به محافظت از خویش نمی‌باشند و بلکه از این جهت نیز بیشتر در معرض خطرند که مراکز فساد رغبت بیشتری به خریداری دختران زیر ۱۸ سال دارند. از این‌رو قانون‌گذار، زیر ۱۸ سال داشتن شخص قاچاق شده را عامل تشدید مجازات تلقی و اعمال حداکثر مجازات (ده سال حبس) را در مورد قاچاق کردن چنین کسی الزامی دانسته است.

شدت مجازات مرتکبین قاچاق اشخاص زیر ۱۸ سال نوعی حمایت سرکوب‌گر می‌باشد، ولی برای حمایت از این اشخاص کافی نیست. بیشتر دختران قاچاق شده پس از رسیدن به ممالک مقصد، به مراکز فحشا فروخته می شوند. به هرحال «در رفتار با اطفال قربانی قاچاق (افراد زیر ۱۸ سال) که به روسپی‌گری و فحشا کشیده شده‌اند، باید رفتارهای کاملاً نرم و حمایتی به عمل آورد، هرچند نفس عمل آنان جرم تلقی شود. یک متخصص اطفال باید بر این امر نظارت مستمر داشته باشد» (Zenit, 2004).

وضعیت استخدامی مرتکب جرم، هم‌چنین داشتن شخصیت حقوقی، موجب اعمال مجازات تکمیلی الزامی، علاوه بر مجازات اصلی مذکور می‌گردد. مادهٔ ۴ در خصوص مستخدمین دولت اشعار می‌دارد «هرگاه کارکنان دولت یا موسسات، شرکت‌ها و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سازمان‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی کارکنان قوای سه گانه، به نحوی از انحاء در جرائم موضوع این قانون دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، با توجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دائم از خدمت محکوم خواهند شد». بدیهی است که برخی افراد به خاطر مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی خود می‌توانند نقش مهم‌تری در قاچاق انسان ایفاء کنند. نه تنها کسانی که در مبادی ورودی و خروجی کشور اشتغال دارند در این زمینه موقعیت غیرقابل انکاری دارند، بلکه کلیهٔ کسانی که با افراد آسیب‌پذیر در ارتباط هستند، موقعیت مناسبی برای سوء استفاده دارند. برای نمونه مسؤولین پرورشگاه‌ها، مدارس (خصوصاً مدارس دخترانه) دادگاه‌های خانواده و... در این زمره قرار می‌گیرند.

باندها و گروه‌های جنایی برای این‌که فعالیت خود را مشروع جلوه دهند و از امتیازات متعلق به اشخاص حقوقی نیز برخوردار شوند، اقدام به ثبت شرکت‌های واهی نموده و فعالیت خود را در چارچوب این شرکت‌ها انجام می‌دهند. از این‌رو در کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی (پالرمو) قانون‌گذاری در زمینهٔ پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی (کیفری، مدنی یا انتظامی) مورد تأکید قرار گرفته است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱). مادهٔ ۵ قانون ایران نیز در خصوص اشخاص حقوقی مجازات تکمیلی مقرر می‌دارد «*چنان‌چه موسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، ولو با نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانهٔ فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید*». ظاهراً منظور از «اعمال مجازات‌های مقرر»، اعمال مجازات حبس نسبت به اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده (مدیران) بوده است؛ چون بدیهی است که مجازات حبس در خصوص اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست. لیکن اعمال جزای نقدی نسبت به اشخاص حقوقی منعی ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۳-۲-۳) معاونت و مشارکت در قاچاق انسان

بند ب مادهٔ ۱ برخی از مصادیق مشارکت در این جرم را با برخی از مصادیق معاونت در این جرم (مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء) به عنوان قاچاق انسان بیان نموده است. سپس در تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۳ مقرر گردیده است *«مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود»*. به عنوان یک قاعده کلی، معاونت در جرایم سازمان‌یافته، از مشارکت در این جنایات منفک نمی‌شود و همه دست‌اندرکاران ارتکاب این جرایم به عنوان شرکای جرم مجازات می‌شوند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۴). لذا شایسته‌تر بود به جای بند ب مادهٔ ۱ و تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۳ قانون‌گذار هرگونه معاونت در جرم را نیز به عنوان مشارکت قابل مجازات می‌دانست.

۴-۲-۳) شروع به جرم قاچاق انسان

در جنایات سازمان‌یافته وجود گروه جنایی و احراز عضویت شخص در آن، برای تعقیب کیفری کافی است و میزان موفقیت شخص در حصول به نتیجه، از اهمیت درجهٔ دوم برخوردار است؛ از این‌رو در جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی، جرایم ناقص (از جمله شروع به جرم) و جرایم تام مجازات واحدی دارند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۵)، هرچند که در جرایم عادی، مجازات جرایم ناقص به خاطر ورود صدمهٔ کمتر، خفیف‌تر از جرایم تام است. در تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳ ق.م.ق.ا. مقرر شده است «کسی که شروع به ارتکاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجهٔ منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد». ظاهراً قانون‌گذار توجهی به سازمان یافته بودن این جرم نداشته است.

۵-۲-۳) تدابیر خاص در پاسخ به قاچاق انسان

ق.م.ق.ا. در زمینه‌های متعدد سکوت اختیار کرده است که به اهم موارد اشاره می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

همکاری‌های بین‌المللی (اعم از تبادل اطلاعات و اختصاص مرجعی برای این امر، استرداد متهمین و مجرمین، بازگرداندن قربانیان و حمایت از آنان و...) نقش مهمی در برخورد با قاچاق انسان دارد که کلاً مورد بی‌توجهی واقع شده است و صرفاً به تعیین مجازات برای مرتکبین اکتفا گردیده است.

این خطر وجود دارد که برخورد سرکوب‌گر، به جای این‌که جلو قاچاق اشخاص را بگیرد، به گسترش آن منجر شود. تصور می‌شود که با مجازات مجرمین مشکل حل می‌شود، ولی این برخورد یک‌جانبه معمولاً آثار چندجانبه‌ای از خود برجای می‌گذارد که برخی از این آثار عبارت‌اند از وابستگی بیشتر بزه‌دیدگان به مجرمین و فعالیت‌های مجرمانه؛ بزه‌دیدگی مضاعف و تغییر فحشاء به اشکال مخفیانه‌تر بهره‌برداری جنسی (De Ruyer, 2000: 62). از این‌رو برای ارائهٔ یک راهکار مؤثر، برخی صاحب‌نظران بر اعمال یک سیاست اجتماعی و انجام اقدامات اداری تأکید کرده‌اند که خروج از کشور مبدأ و ورود بزه‌دیدگان بالقوه را به کشور مقصد، برای گروه‌های جنائی، سخت‌تر و پرهزینه‌تر کنند. در این زمینه، اقدامات پیشگیرانه گسترده در کشورهای مبدأ بزه‌دیده ضروری است (Aronowits, 2001: 163-5).

بنابراین اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در کنار اقدامات سرکوب‌گر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برای پیشگیری از قاچاق انسان اطلاع‌رسانی در زمینهٔ نحوهٔ جذب و قاچاق اشخاص توسط قاچاقچیان انسان، خصوصاً با مدنظر قرار دادن کسانی که بالقوه در معرض قاچاق هستند و از بین بردن زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری است. حتی افراد قاچاق شده باید به وطن برگردانده شده و نسبت به تربیت و بازپروری آنان اقدام مناسب معمول گردد. به‌طور خلاصه باید از مراحل سه‌گانهٔ پیشگیری بهره جست (در خصوص مفهوم مراحل سه‌گانهٔ پیشگیری ر.ک: نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸: ۹-۱۳۵).

نظر به این‌که در قاچاق اشخاص و مهاجران به نوعی از اسناد هویت و اسناد مسافرت سوء استفاده می‌شود ـ اعم از این‌که اسناد غیر واقعی ایجاد و صادر شوند، یا اسناد معتبر به نام شخص دیگری مورد استفاده قرار گیرند، یا مفاد این اسناد تغییر داده شود، یا این‌که اسناد سفیدی توسط قاچاقچیان مهاجران پر شوند ـ ، یکی از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در این زمینه آن است که هریک از دولت‌های متعاهد در صدور اسناد به حدی دقت کنند که از امکان سوء استفاده یا جعل یا افتادن اسناد سفید به دست اشخاص، جلوگیری به عمل آید. این تعهد برای دولت‌های متعاهد در پروتکل دوم الحاقی ایجاد شده است تا تضمین کنند اسناد هویت یا مسافرت صادره از جانب آن‌ها از چنان کیفیتی برخوردارند که به سادگی قابل سوء استفاده نیستند و جعل یا تکثیر یا تغییر یا صدور آن‌ها به راحتی میسر نیست (بند (a) مادهٔ ۱۲ پروتکل).

هم‌چنین دولت‌های متعاهد ملزم گردیده‌اند در حد امکان، سلامت و تمامیت اسناد مسافرت یا هویت صادره از جانب خود را تضمین کنند تا جلو ایجاد، صدور و استفاده غیرقانونی از آن‌ها گرفته شود (بند (b) ماده ۱۲ پروتکل).

۶-۲-۳) ارادهٔ حاکمیتی در مبارزه با قاچاق انسان

با توجه به این‌که قاچاق انسان و اغلب مصادیق جنایات سازمان‌یافته، فاقد شاکی خصوصی هستند و از طرفی دیگر، این جنایات توسط گروه‌های جنایی قدرت‌مندی ارتکاب می یابند که در ارکان حکومتی نیز کم و بیش نفوذ دارند، لذا عزم جدی حکومتی برای هرگونه مبارزه موفقی با این جنایات ضروری است. قاچاق انسان، پس از قاچاق مواد مخدر پرسودترین عمل مجرمانه تلقی می‌گردد از این‌رو به خاطر تحصیل منافع هنگفت غیرقانونی، نفوذ در مراجع انتظامی و قضایی برای آنان راحت و هموار می‌گردد. فشار افکار عمومی داخلی و بین‌المللی مهم‌ترین عاملی است که دولت‌ها را وادار به تصویب اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی در جهت مبارزه با این جنایات می‌کند. لیکن اگر ارادهٔ واقعی برای مبارزه با این جنایات در درون قدرت حاکمه نباشد، تصویب این اسناد صرفاً در حد یک نمایش سیاسی باقی می ماند.

۴) نتیجه‌گیری

تصویب ق.م.ق.ا.، اقدامی مثبت در جهت مبارزه با این پدیدهٔ شوم سودآور بوده ولی به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

خاطر عدم اشراف تدوین‌کنندگان این قانون به ابعاد جرم‌شناختی و بین‌المللی این جرم، پاره‌ای از مطالب و ابعاد قضیه مغفول مانده و لذا امید به موفقیت این قانون را به شدت کاهش می‌دهد. منشا اصلی مهم‌ترین ایرادات این قانون، عدم توجه به وصف «سازمان‌یافته» و «فراملی» بودن این جرم است. سیاست جنایی قانون‌گذار ایران در برخورد با جنایات سازمان‌یافته و مصادیق مختلف آن کاملاً پراکنده و غیرمناسب است. ق.م.ق.ا. تصویب می‌شود، لایحهٔ مبارزه با پول‌شویی سال‌ها بررسی و متن آن در اصلاحیهٔ نهایی به صورتی ناقص تدوین می‌گردد، کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) در خصوص مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی و کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) در خصوص مبارزه با فساد مالی نیز در جایی جداگانه و هرکدام بدون ارتباط با دیگری جهت تصویب بررسی می‌شوند؛ لیکن به ظاهر ارتباط بین این عناوین مجرمانه برای قانون‌گذار آن‌قدر روشن نیست تا همه آن‌ها را هم‌زمان بررسی و تصویب کند. فساد مالی ابزار نفوذ و پیشبرد اهداف گروه‌های جنایی، پول‌شویی، وسیلهٔ محو آثار جنایات ارتکابی توسط گروه‌های جنایی و گسترش فعالیت‌های مجرمانه این گروه‌ها هستند. قاچاق زنان و کودکان، قاچاق مواد مخدر، قاچاق مهاجران و قاچاق تسلیحات گرم نیز مهم‌ترین مصادیق این جنایات محسوب می‌گردند که سیاست واحدی را می‌طلبند. به نظر نویسنده اولین و مناسب‌ترین گام در این زمینه تصویب کنوانسیون پالرمو و پروتکل‌های الحاقی و بهره‌مند شدن از دستاوردهای این اسناد می‌باشد.

به هرحال در وضعیت موجود، ق.م.ق.ا. از ایرادات و نارسایی‌های زیر رنج می‌برد: اول، در بند الف مادهٔ ۲ تشکیل یا ادارهٔ «دسته یا گروه» که هدف آن قاچاق انسان باشد در حکم قاچاق انسان تلقی شده است؛ بی‌آنکه در این قانون یا قانون دیگری مفهوم «دسته» یا «گروه» مشخص شده باشد. صرف عضویت در این گروه‌ها نیز جرم شناخته نشده است؛ دوم، در تعیین مجازات برای شروع به جرم و معاونت در قاچاق انسان، به مسألهٔ سازمان‌یافته بودن این پدیدهٔ مجرمانه توجه نشده است؛ سوم، وصف «فراملی» بودن این عنوان جزایی و به تبع آن پیش‌بینی همکاری‌های بین‌المللی به‌طور کلی نادیده گرفته شده است؛ چهارم، در کنار اقدامات سرکوب‌گر علیه مرتکبین، ضرورت دارد از بزه‌دیدگان و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

شهود قضیه نیز حمایت کافی به عمل آید و امکانات بازگشت افراد قاچاق شده به کشور فراهم گردد؛ پنجم، با وجود این‌که قاچاق اشخاص و مهاجران در بیشتر موارد با جعل اسناد هویت و گذر همراه است، هیچ‌گونه اقدام جرم انگاری یا پیشگیرانه در این زمینه اندیشیده نشده است. نهایتاً، اقدامات پیشگیرانه شامل اطلاع‌رسانی دقیق به قربانیان بالقوهٔ قاچاق اشخاص و خانواده آن‌ها، فراهم نمودن امکانات زندگی بهتر و از بین بردن عوامل فرار دختران از خانوادهٔ و اشتیاق به زندگی رؤیایی در آن سوی آب‌ها با همکاری خانواده‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی ضروری می‌نماید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع

References

- السان، مصطفی. (۱۳۸۴)، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی»، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، سال چهارم، بهار.
- سازمان دفاع از قربانیان خشونت. (۱۳۸۲)، **قاچاق زنان و کودکان و راهکارهای قانونی مبارزه با آن**.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۲)، **جنایات سازمان یافته فراملی**، انتشارات تهران صدا، چاپ اول.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۳)، «قاچاق اشخاص به عنوان یک جنایت سازمان یافته فراملی»، **مجلهٔ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شمارهٔ ۶۴.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۴)، **چکیده حقوق جزایی عمومی**، انتشارات تهران صدا، چاپ اول.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۷۸)، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، **مجلهٔ تحقیقات حقوقی دانشگاه شهیدبهشتی**، شماره‌های ۲۶-۲۵، بهار- تابستان ۷۸.
- هلالی، خلیل. (۱۳۸۴)، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۴/۲/۳۰.

- Albrecht, Hans-Jorg. (2002), **The UN Transnational Crime Convention; An Introduction, The Containment of Transnational Organized Crime**, Hans-jorg, Albrecht and Cyrille Fijnaut (eds.) Freiburg i. Br.;
- Aronovits,A.A. (2001), "Smuggling and Trafficking in Human Beings: The Phenomenon, the Markets That Drive It and the Organizations That Promote It", **European Journal on Criminal Policy** & Research, vol. 9 .
- De Bellaigue, Chris. (2000), "City Life: Tehran- The Teenage Runaways of Gangland Tehran", Independent, 13 November 2000.
- De Ruyer, B.; K. Van Impe & J. Meese. (2000), "The Need for a Multidisciplinary and Proactive Approach to Human Trafficking. Reflections from Two Pilots, **Cross-border crime in a changing Europe**, P.C. Van Duyne, V. Ruggiero, M. Scheinost & W. Valkenburg (eds.) Prague;
- United Nation. (2000), **Progress report of the Ad Hoc Committee on the Elaboration of a Convention against Transnational Organized Crime**. New York.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

References منابع

- UNODC. (2000), **Convention against Transnational Organized Crimes**, Available at: <http://www.unodc.org/unodc/en/treaties/CTOC/countrylist.htm> (January 2008)
- Zenit. (2004), available at: <http://www.zenit.org/english> (July 2006).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]